



دانشگاه سیام نور
پی

قوانین حقوقی و حقوق محیط زیست

(رشته آموزش محیط زیست)

دکتر محمد رضوانی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست

نه	مقدمه
۱	فصل اول: کلیاتی از قواعد حقوقی
۱	۱-۱ منابع رسمی
۱	۱-۱-۱ قاعده حقوقی
۲	۱-۱-۲ قانون
۱۲	۱-۱-۳ عرف
۱۶	۱-۱-۴ رویه قضایی
۲۰	۱-۱-۵ نظریه حقوقی
۲۱	۱-۱-۶ مقررات دولتی
۲۵	۲-۱ منابع غیر رسمی
۲۵	۱-۲-۱ اعمال حقوقی
۲۵	۲-۲-۱ قواعد صنفی
۲۶	۳-۲-۱ اصول حقوقی
۲۶	۴-۲-۱ انصاف
۲۶	خودآزمایی
۲۹	فصل دوم: آشنایی با مفاهیم محیط زیست
۲۹	۱-۲ روند تکاملی محیط زیست
۳۲	۲-۲ تعریف لغوی محیط زیست
۳۳	۳-۲ مفاهیم و اصطلاحات محیط زیست
۳۹	۴-۲ انواع محیط زیست
۳۹	۱-۴-۲ محیط طبیعی
۴۰	۲-۴-۲ محیط مصنوعی یا انسان ساخت
۴۱	۳-۴-۲ محیط اجتماعی
۴۴	۵-۲ اکوسیستم
۴۴	۱-۵-۲ تعریف لغوی اکوسیستم
۴۵	۲-۵-۲ تعریف اصطلاحی اکوسیستم

۴۶	۳-۵-۲ انواع اکوسیستم
۴۷	۶-۲ انواع آلودگی
۴۸	۱-۶-۲ تعریف علمی آلودگی محیط زیست
۴۹	۲-۶-۲ تعریف حقوقی محیط زیست
۴۹	۳-۶-۲ منبع آلودگی
۵۰	۴-۶-۲ انواع آلودگی
۵۱	۷-۲ مبانی حفاظت از محیط زیست
۵۱	۱-۷-۲ سنت های مذهبی
۵۳	۲-۷-۲ جوامع سنتی
۵۴	۸-۲ مفاهیم و اصطلاحات حقوقی محیط زیست
۵۵	۱-۸-۲ جرم زیست محیطی
۵۷	۲-۸-۲ حقوق ملی
۶۵	۳-۸-۲ حقوق بین المللی
۷۵	خودآزمایی

۷۷	فصل سوم: تکامل تاریخی حقوق محیط زیست
۷۷	۱-۳ کنفرانس جهانی محیط زیست (استکهلم، ۱۹۷۲)
۸۰	۲-۳ کنفرانس بین المللی حقوق همبستگی (نیویورک، ۱۹۸۲)
۸۱	۳-۳ کنفرانس جهانی محیط زیست (ریودواژنیرو، ۱۹۹۲)
۸۶	۴-۳ کنفرانس جهانی توسعه پایدار آفریقایی جنوبی (ژوهانسبورگ، ۲۰۰۲)
۸۸	۵-۳ تاریخچه حقوق محیط زیست در ایران
۹۵	۶-۳ سیر تکاملی پاسخ به جرایم زیست محیطی
۱۰۰	خودآزمایی

۱۰۱	فصل چهارم. اصول حقوق بین الملل محیط زیست
۱۰۱	۱-۴ ضرورت به کارگیری حقوق در حفظ محیط زیست
۱۱۱	۲-۴ اصول حقوق بین الملل محیط زیست
۱۱۲	۱-۲-۴ اصل حاکمیت دولت
۱۲۵	۲-۲-۴ اصل همکاری
۱۲۹	۳-۲-۴ اصل حمایت و حفاظت از محیط زیست
۱۳۲	۴-۲-۴ اصل جلوگیری
۱۳۴	۵-۲-۴ اصل احتیاطی

- ۱۳۵ ۶-۲-۴ اصل پرداخت توسط آلوده ساز
- ۱۳۹ ۷-۲-۴ اصل اطلاع رسانی و کمک به حوادث اضطراری زیست محیطی
- ۱۴۶ ۸-۲-۴ اصل اطلاع رسانی و مشاوره در رابطه با آثار برون مرزی
- ۱۴۸ ۹-۲-۴ اصل حقوق شخصی: برابری حق مراجعه به محاکم
- ۱۵۲ ۳-۴ لزوم و چگونگی پاسخ به جرایم زیست محیطی
- ۱۵۳ ۱-۳-۴ ضرورت پاسخ به جرایم زیست محیطی
- ۱۵۴ ۲-۳-۴ شیوه های پاسخ به جرایم زیست محیطی
- ۱۵۸ ۴-۴ انواع پاسخ های کیفری در حقوق محیط زیست ایران
- ۱۵۸ ۱-۴-۴ حبس
- ۱۶۰ ۲-۴-۴ جزای نقدی
- ۱۶۳ ۳-۴-۴ حبس و شلاق
- ۱۶۴ ۴-۴-۴ حبس و جزای نقدی
- ۱۶۵ ۵-۴-۴ حبس و خلع ید
- ۱۶۶ ۶-۴-۴ جزای نقدی و جلوگیری از تردد وسیله
- ۱۶۸ ۷-۴-۴ جزای نقدی و مصادره
- ۱۶۸ ۸-۴-۴ جزای نقدی و ضبط عین مال
- ۱۶۹ ۹-۴-۴ جزای نقدی و مصادره و تعطیلی
- ۱۷۰ خودآزمایی

- ۱۷۱ **فصل پنجم: قوانین و مقررات سازمان های متولی محیط زیست و منابع طبیعی در ایران**
- ۱۷۱ ۱-۵ سازمان های متولی محیط زیست و منابع طبیعی در ایران
- ۱۷۲ ۱-۱-۵ قوانین و مقررات سازمان حفاظت محیط زیست
- ۱۷۰ ۲-۱-۵ قوانین و مقررات سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور
- ۲۰۳ ۳-۱-۵ قوانین و مقررات مربوطه سازمان شیلات ایران
- ۲۰۹ خودآزمایی
- ۲۱۱ **فصل ششم: کنوانسیون ها و نهادهای بین المللی**
- ۲۱۱ ۱-۶ توافق و اجرای موافقت نامه های بین المللی محیط زیستی
- ۲۱۴ ۲-۶ کنوانسیون ها و نهادهای بین المللی
- ۲۱۴ ۱-۲-۶ کنفرانس جهانی محیط زیست (استکهلم - ۱۹۷۲)
- ۲۲۱ ۲-۲-۶ کنفرانس محیط زیست و توسعه: (همایش زمین، ریودوژانیرو - ۱۹۹۲)
- ۲۲۶ ۳-۲-۶ برنامه محیط زیست ملل متحد (۱۹۷۲)
- ۲۲۷ ۴-۲-۶ اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی (۱۹۴۸)

- ۲۲۹ ۵-۲-۶ کنوانسیون تنوع زیستی (ریودوژانیرو - ۱۹۹۲)
- ۲۳۱ ۶-۲-۶ کنوانسیون مربوط به تالاب‌های مهم بین‌المللی (رامسر - ۱۹۷۱)
- ۲۳۲ ۷-۲-۶ کنوانسیون گونه‌های جانوران و گیاهان وحشی (واشنگتن - ۱۹۷۳)
- ۲۳۴ ۸-۲-۶ کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (پاریس - ۱۹۷۲)
- ۲۳۶ ۹-۲-۶ دفتر بین‌المللی تحقیقات پرندگان آبی
- ۲۳۷ ۱۰-۲-۶ کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد، تغییرات اقلیمی (نیویورک - ۱۹۹۲)
- ۲۳۸ ۱۱-۲-۶ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیابان‌زدائی (پاریس - ۱۹۹۴)
- ۲۴۰ ۱۲-۲-۶ کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازن (وین - ۱۹۸۵)
- ۲۴۱ ۱۳-۲-۶ پروتکل مونترال درباره مواد کاهنده لایه ازن (مونترال - ۱۹۸۷)
- ۲۴۲ ۱۴-۲-۶ کنوانسیون بازل (بازل - ۱۹۸۹)
- ۲۴۳ ۱۵-۲-۶ کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی (لندن - ۱۹۷۲)
- ۲۴۵ ۱۶-۲-۶ کنوانسیون بین‌المللی مداخله در دریاهای آزاد (بروکسل - ۱۹۶۹)
- ۲۴۶ ۱۷-۲-۶ پروتکل مداخله در دریاهای آزاد (لندن - ۱۹۷۳)
- ۲۴۷ ۱۸-۲-۶ کنوانسیون بین‌المللی نجات دریایی (لندن - ۱۹۸۹)
- ۲۴۸ ۱۹-۲-۶ کنوانسیون حمایت از محیط زیست دریایی (کویت - ۱۹۷۸)
- ۲۴۹ ۲۰-۲-۶ پروتکل همکاری برای مبارزه با آلودگی ناشی از نفت (کویت - ۱۹۷۸)
- ۲۵۰ ۲۱-۲-۶ پروتکل آلودگی دریایی ناشی از اکتشاف و استخراج (کویت - ۱۹۸۹)
- ۲۵۱ ۲۲-۲-۶ پروتکل حمایت محیط زیست دریایی (کویت - ۱۹۸۹)
- ۲۵۴ ۲۳-۲-۶ برنامه همکاری‌های زیست محیطی کشورهای جنوب آسیا (کلمبو - ۱۹۸۰)
- ۲۵۴ خودآزمایی

۲۵۵

منابع

۲۵۷

ضمائم

مقدمه

ارزش و اهمیت محیط زیست هر چند دیر هنگام ولی هر روز بیش از پیش نزد همگان مشخص می‌شود و امروزه داشتن معلومات زیست‌محیطی به‌عنوان یک ضرورت زندگی محسوب می‌گردد. فعالیت‌های فراوان و گسترده بشر سبب لطمات شدیدی به ظرفیت‌ها و زیر ساخت‌های طبیعی و زیست محیطی گردیده و محدودیت منابع و ازدیاد جمعیت بر اکوسیستم‌های طبیعی فشار مضاعفی وارد نموده است، لذا تعریف و تعیین نوع و میزان فعالیت‌های بشری در طبیعت و محیط زیست و به قولی دیگر تنظیم رابطه انسان و محیط زیست در قالب ضوابط و مقررات انسان ساخت و ملهم از اسرار و رموز طبیعت مبحث بین رشته ای حقوق محیط زیست را پدید آورده است. به عبارت دیگر، حقوق محیط زیست درضمن دفاع از منابع طبیعی و محیط زیست در صدد است فعالیت‌های معقول بشر در طبیعت را در قالب فعالیت‌های مجاز تعریف کرده و به منظور جلوگیری از صدمات زیست محیطی، مقررات پیشگیرانه‌ای دنبال می‌شود و حتی در صورت بروز خسارات زیست محیطی، آن‌ها را به‌عنوان جرایم زیست محیطی تعریف و متهم را تعقیب کیفری نماید. حقوق محیط زیست نقش به سزایی در تحقق آرمان انسانی در رسیدن به توسعه پایدار ایفا می‌نماید.

فصل اول

کلیاتی از قوانین حقوقی

اهداف

در پایان فصل، دانشجو با مفاهیم زیر آشنا می‌شود:

۱. تعریف و ویژگی‌های قاعده حقوقی، قانون و عرف؛
۲. تعریف و ویژگی‌های رویه قضایی، نظریه حقوقی و مقررات دولتی؛
۳. آشنایی با منابع رسمی و غیررسمی قواعد حقوقی.

۱-۱ منابع رسمی

مهمترین منابع رسمی برای حقوق عبارتند از: قاعده حقوقی، قانون، عرف، رویه قضایی، نظریه حقوقی و مقررات دولتی. در ادامه با هر یک از این منابع آشنا خواهید شد.

۱-۱-۱ قاعده حقوقی

جهت آشنایی با قاعده حقوقی، ابتدا به حقوق در زبان فارسی پرداخته شده است و در ادامه با قاعده حقوقی و ویژگی‌های آن آشنا خواهید شد. حقوق در زبان فارسی:

۱. قواعد و مقرراتی که بر یک جامعه حکومت می‌کند^۱.

۲. امتیازاتی که قانون برای حفظ نظم و برپایی دادگری برای پاره‌ای از مردم می‌شناسد.^۱

۳. علم حقوق و تحقیقات وابسته به آن.^۲

۴. دستمزد ماهانه و مانند آن، که کارمندان دولت و یا شرکت‌های وابسته به دولت دریافت می‌کنند. معمولاً به دستمزدهای روزانه و یا هفتگی کارگران و یا فوق‌العاده دریافتی کارمندان دولت حقوق می‌گویند. مزد و دستمزد، اجرت، کارکرد، مستمری (بیشتر در مورد از کارافتادگان و بازنشستگان) اصطلاحاتی است که برای غیر از کارمندان دولتی به کار می‌رود.^۳

منظور از قاعده حقوقی، قاعده‌ای است الزام‌آور که جهت ایجاد نظم و استقرار عدالت بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود. برای یک قاعده حقوقی ویژگی‌های گوناگونی برشمرده‌اند که مهمترین آن‌ها عبارتند از:

۱. قاعده حقوقی الزام‌آور است.

۲. رعایت قاعده حقوقی از طرف دولت تضمین شده است.

۳. قاعده حقوقی کلی و عمومی است.

۴. هدف قاعده حقوقی تنظیم روابط اجتماعی است.

۱-۱-۲ قانون

در ابتدا با واژه‌شناسی قانون آشنا می‌شوید. واژه‌ی قانون از کانون یونانی گرفته شده است و از رهگذر زبان سریانی به زبان عربی راه یافته است و با تغییر حرف «ک» به «ق» به چهره‌ی «قانون» درآمده است. زبان‌های پارسی و ترکی (ایران و ترکیه) و سپس اردو (شبه قاره) نیز واژه‌ی قانون را با همان مفهوم و اصطلاح به کار گرفته‌اند. قانون، در اصل، به معنای خط‌کش و معیار اندازه‌گیری به کار می‌رفته که بعدها، مفهوم قاعده و رسم و روش نیز از آن گرفته‌اند. واژه‌ی کانون گاهی به معنای شیوه، روش و قاعده نیز آمده است. جای پژوهش در این باره که آیا قانون از ریشه‌ی پارسی است هنوز باز است (کروین^۴، ۱۹۵۵: ۶).

1. right

2. law /jurisprudence

3. salary

4. Corwin

برای قانون تعاریف متعددی وجود دارد، که به مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. هنگامی که از قانون به عنوان منبع حقوق، سخن به میان می‌آید منظور همان چیزی است که در برابر عرف قرار می‌گیرد. قانون اساسی و قانون مدنی ما تعریفی از قانون به دست نمی‌دهد.

۲. قانون بیان اراده‌ی دولت‌هاست که یک قاعده‌ی حقوقی قابل اجرا در میان مردم از آن ناشی می‌شود. با این همه، باید گفت که هر بیان اراده‌ای و همگی دستورهای که دولت‌ها صادر می‌کنند قانون نیست. بیشتر قواعد حقوقی، مستقیماً از یک یا چند فرد که دارای قدرت اجتماعی هستند، صادر می‌شود و قانون را می‌سازد. با نگاهی به آنچه گفته شد، قانون در مفهوم گسترده‌ی خود، دلالت بر هر قاعده‌ی حقوقی دارد که با نگارش و تدوین شکل می‌گیرد و در یک زمان معین به وسیله‌ی یک یا چند فرد که دارای قدرت اجتماعی هستند، انتشار می‌یابد. واژه‌ی قانون در دیگر دانش‌ها مانند علوم طبیعی، علوم انسانی، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، تاریخ، اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی نیز به کار می‌رود. این دانش‌ها در بررسی و مشاهده‌ی پدیده‌ها، قوانین می‌سازند. شرایط ضروری که این پدیده‌ها را تعیین می‌کند، قانون خوانده می‌شود. به گفته‌ی منتسکیو، روابط ضروری که از ماهیت اشیا ناشی می‌شود قانون نام دارد. قانون به مفهوم علمی خود مانند قانون جاذبه یا به معنای قاعده‌ی حقوقی مانند قانون آزادی مطبوعات یک نقطه‌ی مشترک دارد و آن صفت اجباری و الزامی آن برای هر فرد است (ساکت، ۱۳۷۰: ۸۲-۶۵).

از ویژگی‌های قانون می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- **عمومیت و تعمیم:** قواعد حقوقی در یک زمان معین و در یک جامعه معین بر کلیه افراد به طور یکسان اجرا می‌گردد. به عبارت دیگر قانون به عنوان یک قاعده حقوقی که همدیگر یا عده‌ای از افراد جامعه را در برمی‌گیرد درباره آنها یکسان اجرا می‌شود.
- **الزام:** به طور کلی قانون پس از تصویب و انتشار واجد یک نیروی الزام و اجباری تحت عنوان ضمانت اجرای قانون است که همگان بایستی از آن پیروی کنند.
- **پایندگی و دوام:** قانون ذاتاً دائمی بوده و دچار مرور ایام نمی‌شود مگر اینکه خودش به لحاظ زمانی پیش‌بینی کرده و عمر خودش را مشخص کند.

• از یک مرجع و قدرت اجتماعی ناشی شود: قانون بایستی از سوی یک یا چند فرد (دولت) که دارای قدرت اجتماعی هستند صادر شود. قانون تنها قاعده‌ای است که از سوی قدرت عمومی صادر می‌شود و قدرت عمومی هم توانایی وضع قانون را دارد (شلنز^۱، ۱۹۵۹: ۲۹).

در یک طبقه بندی، قوانین به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) قانون اساسی؛

ب) قانون عادی؛

ج) احکام، آیین‌نامه‌ها و نظامنامه‌های دولتی.

الف) قانون اساسی

قانون اساسی عبارت است از مجموعه قواعد حقوقی خاص که یک گروه مؤسس برای تنظیم قدرت در دولت صادر می‌کند تا هدف معینی را تأمین کند. به طور کلی، قانون ساختار و بنیاد یک کشور و ملت است و در آن اندیشه یک حکومت قانونمند و هدفمند قرار می‌گیرد. در بیشتر حکومت‌ها به خاطر نگهداری اساس حکومت و جلوگیری از تجاوز دولت‌ها به پیمانی که رابطه بین آن‌ها و ملت است برای قوانین اساسی احترام و حیثیت خاصی قائل هستند و آن‌ها را ممتاز و برتر از سایر قوانین می‌دانند. در این رابطه قانون اساسی جمهوری اسلامی توضیح داده می‌شود:

تا سال ۱۲۸۵ حکومت بر ایران به روش ابتدایی اداره می‌شد و تمام اختیارات قضایی در دست شاه بود. در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ در نتیجه یک قیام ملی یک تحول و دگردیسی در حکومت ایران به وجود آمد و در این رابطه حکومت ایران از سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه مبدل شد. در این تاریخ قانون اساسی با این اصل تشکیل و در سال بعد ۱۰۷ اصل دیگر برای کامل کردن اصل مشروطیت به آن اضافه گردید که به عنوان متمم قانون اساسی شناخته و تا قبل از پیروزی انقلاب اجرا می‌شدند. در سال ۱۳۵۷ در نتیجه وقوع انقلاب، دگرگونی دیگری در شکل حکومت به وجود می‌آید و سلطنت سقوط می‌کند و در فروردین ۱۳۵۸ با رأی ۹۸.۲ درصد واجدین شرایط، جمهوری اسلامی به وجود می‌آید. در نهایت در ۱۲ آذر ۱۳۵۸ قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران با ۹۹ درصد آرا به تصویب ملت می‌رسد. در سال ۱۳۶۸ در یک همه‌پرسی، بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب می‌شود. به‌گونه‌ای که قانون اساسی جمهوری اسلامی در ۱۴ فصل و ۱۷۷ اصل وجود دارد و معیار و ضابطه اعتبار یا عدم اعتبار قوانین عادی و آیین‌نامه‌ها و مصوبات دولتی است.

ب) قانون عادی:

در مرحله پایین‌تر از قانون اساسی قرار گرفته است و اعتبار یا عدم اعتبار با قانون اساسی سنجیده می‌شود. شامل:

۱. **مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی:** مصوبه‌های مجلس پس از تایید شورای نگهبان مطابق قانون اساسی و احکام شرعی و امضاء رئیس جمهور بر طبق اصول ۵۸، ۹۴ و ۱۲۳ قانون اساسی تصویب می‌گردد.

۲. **همه‌پرسی یا مراجعه به آراء عمومی:** مواردی که از رهگذر همه‌پرسی یا مراجعه به آراء عمومی به تصویب می‌رسند و نهایتاً امضاء رئیس جمهور طبق اصل ۱۲۳ قانون اساسی.

۳. **مصوبه‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام:** که به‌عنوان یک قانون عادی بکار می‌رود برابر اصل ۱۱۲ قانون اساسی.

وضع قانون عادی شامل مراحل زیر می‌باشد:

• **تهیه، تنظیم و انشاء قانون:** در این رابطه قانون پیشنهادی بر اساس الگوی قانون‌نویسی شامل کلیات، متن اصلی و... در قالب مواد جداگانه، بند و تبصره و پیش‌بینی جرایم و مجازات‌ها و محدودیت‌ها، تشویق‌ها و پاداش‌ها، مکانیسم‌های حقوقی، نحوه و زمان تهیه آیین‌نامه اجرایی و... تهیه، تنظیم و انشاء می‌شود.

• **پیشنهاد قانون:** پیشنهاد قانون توسط حداقل ۱۵ نفر از نمایندگان مجلس (طرح قانونی) و یا توسط دولت (لایحه قانونی) انجام می‌گیرد.

• **تصویب قانون:** تصویب قانون در صحن مجلس و با اکثریت نسبی نمایندگان انجام می‌گیرد.

• **تأیید قانون:** تأیید قانون توسط شورای نگهبان قانون اساسی انجام می‌شود. شورای نگهبان مرکب از ۱۲ نفر می‌باشد که ۶ نفر آنها فقیه بوده و توسط رهبری

انتخاب می‌شوند و ۶ نفر حقوقدان هستند که به پیشنهاد رئیس قوه قضاییه و تأیید مجلس شورای اسلامی انتخاب می‌شوند. شورای نگهبان مصوبات مجلس را با احکام شرع و اصول قانون اساسی تطبیق می‌دهند، تطابق مصوبات مجلس با احکام شرع با فقهای شورای نگهبان و تطابق با اصول قانون اساسی با فقها و حقوقدانان خواهد بود. مجلس شورای اسلامی در صورت اعمال اصلاحات و تغییرات مورد نظر شورای نگهبان، مصوبه تغییر یافته را مجدداً به شورای نگهبان می‌فرستد اما در صورت اصرار مجلس بر مصوبه و عدم پذیرش و اعمال تغییرات مورد نظر شورای نگهبان، مصوبه از طرف مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده خواهد شد. مجمع تشخیص مصلحت نظام بین مجلس و شورای نگهبان حکمیت خواهد کرد. تصمیم مجمع تشخیص مصلحت نظام قاطع بوده و از دو طرف لازم‌الاتباع می‌باشد.

• **امضا قانون:** بر طبق اصل ۱۲۳ قانون اساسی رئیس‌جمهور باید قانون تصویبی مجلس شورای اسلامی و نتیجه بررسی را امضاء کند. در واقع مصوبه‌های مجلس و نتیجه همه‌پرسی پس از امضاء رئیس‌جمهور نام قانون را به خود می‌گیرد. رئیس‌جمهور پس از امضاء قانون آن را برای اجرا به دولت ابلاغ می‌کند. در صورت استنکاف رئیس‌جمهور از امضاء قانون، معاون اول ایشان بایستی مبادرت به امضاء قانون نماید و در غیر این صورت، رئیس مجلس شورای اسلامی قانون را امضاء خواهد نمود.

• **انتشار رسمی قانون:** قانون باید انتشار یابد و به آگاهی همگان برسد تا هر کسی وظیفه و تکلیف خود را بداند. پس از آنکه قانون انتشار یافت، اطاعت از آن بر همگان الزام می‌شود. انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید. قوانین ۱۵ روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم‌الاجرا است، مگر آنکه در خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد. روزنامه رسمی در آغاز از سازمان‌های وابسته به مجلس شورای ملی بود ولی در قانون بودجه ۱۳۳۸ چاپ و نشر، به وزارت دادگستری واگذار گردیده است.

ج) مقررات دولتی (احکام، آیین نامه‌ها و نظامنامه‌های دولتی):

مجموع قواعدی است که به حکم صریح یا ضمنی قانون‌گذار و یا به اعتبار اختیار ناشی از مسئولیت اداری توسط مقامات (به غیر از قوه مقننه) وضع می‌شود.

علاوه بر سه مورد بالا دو نوع قانون زیر نیز در بعضی از تقسیم‌بندی‌ها منظور می‌شوند:

• **قوانین آزمایشی:** چون تصویب قانون در مجلس به درازا می‌کشد و گاهی حفظ مصالح کشور ایجاب می‌کند که با شتاب بیشتر و دور از تشریفات، قوانینی به تصویب برسد. اصل ۸۵ قانون اساسی به کمیسیون‌های داخلی مجلس این اختیار را تفویض کرده است تا در موارد ضروری با رعایت اصل ۷۲ قانون اساسی (دوگانه نبودن قوانین با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی) قوانینی را به تصویب برسانند تا به صورت آزمایشی برای مدتی اجرا شود. از کاربرد واژه‌ی موارد ضروری در اصل ۸۵ قانون اساسی چنین برداشت می‌شود که این تفویض اختیار یک استثناست و برای هر مورد پیش‌پا افتاده و ساده‌ای نمی‌توان از آن بهره‌گرفت و تنها برای مدتی که تعیین می‌شود معتبر خواهد بود. در عمل، قوانین آزمایشی چندان کامیاب از آب درنیامده است و با نگرش به شتاب به کار رفته در تصویب آن‌ها، در مرحله‌ی اجرا دشواری‌های فراوانی پدید آورده است.

• **عهدنامه‌ها:** در پیوندهای بین‌المللی، عهدنامه‌ها در حکم قانون است. گذشته از آن‌که عهدنامه‌ها در روابط دولت موثر است، از نظر قواعد حقوق خصوصی نیز مهم است. ماده‌ی ۹ قانون مدنی ایران می‌گوید: مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است. برای آن‌که عهدنامه حکم قانون پیدا کند و دادگاه‌ها بتوانند بدان استناد و مفاد آن‌ها را رعایت کنند باید از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی اظهار شود و مجلس نیز آن را تنفیذ کند، همگی قراردادهای، مقاوله‌نامه‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی نیز همین‌گونه است (اصل ۷۷ ق.ا.).

واضح است هنگامی دادگاه‌های داخلی به مفاد عهدنامه استناد می‌کنند که به حقوق و تکالیف اتباع بیگانه ارتباط پیدا کند. هیچ دادگاه ملی و داخلی نمی‌تواند اجرای تألیف سیاسی دولت‌های امضاءکننده‌ی قرارداد و عهدنامه‌ی بین‌المللی را بخواهد. این کار بر عهده‌ی دادگاه‌ها و مراجع بین‌المللی است. به هر حال، نه تنها مفاد عهدنامه‌ها در دادگاه‌های داخلی کشورهای امضاکننده قابل اجراست بلکه دولت‌های مربوط نیز باید رعایت کنند.

قراردادهایی که کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا منعقد می‌سازند نیز برای کشورهای امضاءکننده در حکم قانون است و برابر ماده‌ی ۱۷۷ قرارداد رم، در دادگاه دادگستری کشورهای اروپایی قابل اجراست و دادگاه‌های داخلی هر دولت عضو می‌توانند قرارداد رم را مورد تفسیر قرار دهند.

در تقسیم‌بندی دیگری، قانون به سه دسته زیر تقسیم می‌شود:

- **عام:** همه‌ی افرادی را در برگیرد که قانون برای آنان وضع شده است.
- **خاص:** همه‌ی افراد را در برنمی‌گیرد و تنها برخی از آنان را می‌پوشاند.
- **مخصص:** مخصص دلیلی است که پاره‌ای از افراد عام را از آن حکم قانونی بیرون و مستثنا می‌سازد (هاکونسن^۱، ۱۹۹۶: ۶۵).

پس حکم عام مصادیق فراوان و متعددی در جهان خارج دارد ولی مصادیق حکم خاص محدود و یا ناظر به موضوع معینی است. برای نمونه اگر حکمی ناظر به کارمندان دولت و دیگری به استادان دانشگاه باشد حکم نخست عام و حکم دوم خاص و علت این حکم مخصص تخصیص دهنده نام دارد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۳: ۱۱۲-۱۰۰).

در ادامه به انواع قانون‌های موجود اشاره می‌شود:

- **قانون ماهوی یا ماهیتی:** قانونی است که موضوعی از موضوع‌های حقوق را بیان می‌کند و ناظر به اسباب و مبنای و از میان رفتن حق فردی است. به سخن دیگر، قانون ماهوی شرایط اصلی اعمال حقوقی را بیان می‌دارد. برای همین است که قانون ماهیتی را «قانون ثبوتی» نیز می‌گویند زیرا جنبه‌ی اثباتی ندارد. قانون ماهیتی شامل قواعدی است که بر مردم حاکم است.
- **قانون شکلی:** قواعدی است که ناظر به صورت خارجی اعمال حقوقی، تشریفات اسناد، دادرسی و اثبات دعوی است. قانون شکلی شامل قواعد این دادرسی برای اجرای حقوق است. در فقه به قانون شکلی «قانون اثباتی» می‌گویند.
- **قانون صوری:** قانون مربوط به شخص خاص را می‌گویند، مانند قانون راجع به مستمری اشخاص معین. در برابر قانون صوری، قانون واقعی یا قانون به معنای واقعی قرار دارد که ناظر به همه‌ی مردم یا بیشتر مردم است و نه به یک فرد خاص.

ویژگی‌های قاعده‌ی حقوقی (قانون) نیروی الزامی بودن آن است. از آن جا که همگی قوانین کم و بیش به منافع همگانی و مصالح اجتماعی بستگی پیدا می‌کند، اجرای آن‌ها از سوی یک نیروی رسمی دولت تضمین شده است. اگر چه اطاعت از قانون الزامی و اجباری است اما شیوه و چگونگی این الزام در پاره‌ای از قوانین یکسان نیست. این جاست که قانون را به «امری» و «تکمیلی» بخش کرده‌اند.

• **قانون امری (الزامی):** قانونی است که امر و نهی می‌کند و به اشخاص اجازه نمی‌دهد با توافق و رضایت خویش برخلاف آن عملی انجام دهند یا آن قاعده را نقض کنند یا تغییر دهند زیرا به خاطر ضرورت اجتماعی و نظم عمومی بر روابط اشخاص در جامعه حاکم است. برای نمونه قانون‌گذار برای ازدواج یک سن خاصی در نظر گرفته است و هیچ دفتر ازدواج و اسناد رسمی نمی‌تواند عقد کسی را که پایین‌تر از این سن دارد به ثبت برساند. این یک قانون امری یا الزامی است. نمونه‌ای دیگر، نگهداری عده‌ی وفات یا طلاق است که هیچ اراده‌ای نمی‌تواند برخلاف آن رفتار کند. همه‌ی قوانین امری (الزامی) نیست و اراده‌ی آزاد افراد می‌تواند بر خلاف آن عمل کند، قانون برای ابراز اراده‌ی آزاد و توافق طرفین نیز راه را باز گذاشته است.

• **قانون تکمیلی (تفسیری):** مستاجر پس از وقوع عقد اجاره مکلف است همه-ی اجاره‌ی بها را نقداً بپردازد ولی این توافق به عقد اجاره گزندگی نمی‌رساند و مخالف قانون هم نیست. چنین قوانینی را تکمیلی (تفسیری) گویند زیرا تفسیر اراده‌ی طرفین عقد یا قرارداد است. برای نمونه، اگر طرفین عقد بیع، جای تسلیم کالا و پول (عوضین) را تعیین نکرده باشند، فرض قانون ماده‌ی ۳۷۵ ق.م. بر این است که مقصود دو طرف قرارداد محل وقوع عقد است با این همه طرفین آزادند تا هر کجا را که می‌خواهند به عنوان محل اجرای قرارداد تعیین کنند. نیروی الزام و اجبار قانون در قوانین تفسیری هم هست ولی به شرط آن‌که طرفین قرارداد بر خلاف آن تراضی نکرده باشند. در نمونه‌ی بالا اگر طرفین عقد جای دیگری را به دلخواه برای اجرای عقد تعیین نکنند، برابر مدلول ماده‌ی ۳۷۵ ق.م. محل وقوع عقد محل اجرای قرارداد خواهد بود.

• **قانون وضعی:** قانونی است که اثر آن، بر خلاف قانون آمره، به اراده‌ی طرفین قرارداد یا افراد بستگی ندارد ولی از سوی دیگر، افراد نمی‌توانند با توافق و تراضی خویش آن را تغییر دهند یا از میان ببرند. قانون وضعی صرفاً به حکم و دستور و

اقتضای قانون به وجود می‌آید و در عین حال دسته‌ی دیگری از قواعد حقوقی غیرآمره است.

• **قانون اختیاری (اذنی):** قانونی است نه آمره و نه تفسیری، بلکه برای حل عادلانه، حق تقدم به یکی از دو طرف اختلاف می‌دهد. برای نمونه، ماده‌ی ۲۲۶ قانون امور حسبی به برخی از بستانکاران شخص متوفی حق تقدم می‌دهد.

زمان اجرای قانون به این شرح است که پانزده روز پس از انتشار قانون در روزنامه‌ی رسمی، قانون در سراسر کشور قابل اجراست. ماده‌ی ۲ اصلاحی قانون مدنی مصوب ۸ آذر ۱۳۴۹ در این باره می‌گوید: قوانین پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجراست، مگر آن‌که در خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرای مقرر شده باشد. برابر این ماده، قانون‌گذار می‌تواند ترتیب و روش دیگری برای انتشار و مهلت اجرای آن در نظر بگیرد و در چارچوب تشریفات خاصی نماند. برای نمونه، قوه‌ی مقننه می‌تواند چند ماه پس از تصویب یک قانون آن را قابل اجرا بداند، یا اجرای آن را به گذشته نیز سرایت دهد (ماده‌ی ۴ قانون مدنی) و یا اجرای فوری قانون را مقرر دارد (قسمت اخیر ماده‌ی ۱۲ اصلاحی قانون مدنی). برای ایرانیان خارج از کشور مهلت اجرای قانون همین ۱۵ روز پس از انتشار است، مگر آن‌که فرد زیان دیده از قانون جدید بتواند اثبات کند که به علت‌های خاص سیاسی یا ارتباطی از انتشار قانون بی اطلاع مانده است.

در رابطه با قانون مبحث جهل به قانون، وجود دارد. به این معنی که پس از انتشار قانون، همگان از آن آگاهند و روزنامه‌ی رسمی را خوانده‌اند. اما به واقع آیا همه افراد روزنامه رسمی کشور را مطالعه می‌کنند، با این همه، این اصل جاری است که جهل به قانون رفع تکلیف نمی‌کند یا جهل به قانون رافع مسوولیت نیست. با همه‌ی اینها، قانون مدنی ایران در موارد خاص جهل به قانون را پذیرفته است (ماده‌ی ۱۱۳۱ ق.م). نپذیرفتن جهل به قانون از سوی جاهل به آن، دور شدن از اصل عدالت است ولی با نگرش به ثبات و نظم جامعه اصلی قابل اجرا است. با این همه، مواردی هست که نسبت به این قاعده استثنا دانسته می‌شود. برای نمونه، زن و مردی که از موانع ازدواج در قانون اطلاعی ندارند با هم زناشویی می‌کند. قانون رابطه‌ی زوجیت را درست می‌داند و به اصطلاح نزدیکی به شبهه می‌شمارد. فرزندان این پدر و مادر مشروع و قانونی به

حساب می‌آیند و ارث می‌برند. اگر به هر علت وجود قوه‌ی قاهره (حوادث طبیعی، جنگ و اشغال نظامی) مردم منطقه‌ای از قانون بی اطلاع بمانند ادعای جهل به قانون آنان را باید پذیرفت زیرا جهل همگانی به قانون مهم و شایان توجه است. بی گمان، کسی که مدعی جهل به قانون است باید دلیل ارائه دهد (ساکت، ۱۳۷۱: ۱۰۲-۹۴).

واژه‌ی نسخ در زبان عربی به سه معنای نقل (از چیزی رونویسی کردن) ازاله (از میان بردن) و ابطال (بر باد دادن، بیهودن ساختن) کاربرد پیدا کرده است. در اصطلاح حقوقی، نسخ یعنی از میان بردن یا الغای یک قانون یا قاعده‌ی حقوقی پیشین با تصویب قانونی از سوی قوه‌ی مقننه یا قانون اساسی (مجلس خبرگان) و یا به وسیله‌ی عرف و عادت. نسخ بر دو گونه است: صریح (آشکار) و ضمنی (غیرمستقیم). نسخ صریح آن است که قانون‌گذار آشکارا و بدون ابهام نسخ قانون پیشین را اعلام می‌کند. برای نمونه، ماده‌ی ۷۸۹ آیین دادرسی مدنی می‌گوید: قوانین زیر منسوخ است و آن‌گاه، ۱۵ قانون را با آوردن ماده و عنوان آن نسخ کرده است. در نسخ ضمنی، قانون پس از تصویب و انتشار با قانون یا قوانین پیشین متفاوت است و با آن قابل جمع نیست. قانون گذشته (سابق) خود به خود از اعتبار می‌افتد و منسوخ می‌شود زیرا فرض بر آن است که قانون‌گذار با وضع قانون تازه مصالح اجتماع را در پیش چشم داشته است.

گاهی در نسخ ضمنی برای تاکید بیشتر این عبارت می‌آید، کلیه‌ی قوانینی که مخالف این قانون است نسخ می‌شود یا ملغی است. در نسخ صریح، گاهی قانون‌گذار احکام تازه‌ای جانشین احکام گذشته می‌کند و گاهی نیز بدون وضع احکام تازه احکام گذشته را منسوخ اعلام می‌دارد. طبقه‌بندی قوانین در نسخ رعایت می‌شود. قانون عادی نمی‌تواند ناسخ قانون اساسی باشد و هیچ گاه قانون عادی به وسیله‌ی تصویب نامه و آیین نامه نسخ نمی‌شود.

نسخ قانون، نسخ آیین‌نامه‌های آن است. اگر قانونی نسخ شود و قانون دیگری به جای آن نیاید، آیین‌نامه‌ها و نظام‌نامه‌های قانون سابق نیز منسوخ است. اگر پس از نسخ یک قانون، قانون تازه‌ای جانشین آن شود دو حالت پیش می‌آید: یا سراسر آیین نامه با قانون جدید متفاوت است که منسوخ می‌شود و یا بخشی از آن آیین نامه با قانون جدید مخالف است که در این صورت همان بخش مخالف منسوخ است و بقیه آیین نامه پا بر جاست.

قلمرو قانون جدید و قدیم در نسخ ضمنی یکسان نیست یعنی یا هر دو عام است و یا هر دو خاص و یا یکی عام و دیگری خاص است. اگر هر دو قانون جدید و سابق عام یا خاص باشد قانون قدیم منسوخ است. اگر قانون سابق خاص و قانون جدید عام باشد قانون سابق به اعتبار خود پا بر جاست زیرا عام ناسخ خاص نیست و در نگاه قانون‌گذار، خاص بودن یک قانون و حکم یعنی استثنایی که قانون‌گذار قائل شده است و این استثنا برای مصالح اجتماع بوده است. ولی اگر قانون قدیم عام و قانون جدید خاص باشد، قانون جدید قانون قدیم را نسخ می‌کند زیرا، خاص مخصص عام است.

۱-۱-۳ عرف

عرف در زبان عربی به معنای شناخت، شناخته و نیکوست. در اصطلاح، عرف رسم و عاداتی است که افراد در پیوندهای میان خویش آن را پذیرفته‌اند. از دیدگاه جامعه‌شناسی، عرف یا شیوه‌های قومی اصطلاحاتی است که عموماً برای راه و رسم‌های مخصوص و ضابطه یافته‌ی انجام چیزهایی به کار می‌رود که در میان کسانی که در یک فرهنگ خاص سهیم هستند، مشترک است. این اصطلاح، برای یک کنش اجتماعی کوچک نیز به کار می‌رود و در مفهوم گسترده و پیچیده‌ی آن شامل یک رشته رویدادهایی مانند گفتار، جشن‌ها و مراسم و نمایش‌ها می‌شود. در اصطلاح حقوقی عرف قاعده‌های است که مستقیماً از مردم سرچشمه می‌گیرد و فراگیر و پایاست و به وسیله‌ی نیروی رسمی مقام صالح الزامی دانسته شده است. بدین گونه، تنها رسم و عاداتی که صفت الزام و نیروی اجباری دارد یک قاعده‌ی حقوقی به شمار می‌آید.

در زبان حقوقی، عرف به مفهوم گسترده‌ی واژه به همگی وقایع و اعمالی گفته می‌شود که در یک محیط اجتماعی، بدون دخالت قانون‌گذار به چهره‌ی یک قاعده‌ی حقوقی در می‌آید. در این مفهوم، عرف با حقوق وضع نشده و نانوشته، که شامل همه منابع حقوق به جز قانون می‌شود مترادف است. بدین سان، عرف نه تنها عادت و رسوم، بلکه رویه‌ی قضایی و نظریه‌ی علمای حقوق را هم در بر می‌گیرد. عرف به معنای خاص شامل عادت و رسم حقوقی الزام آور است.